

ISF
BOX 88
172 23 Sundhyberg
SWEDEN



سال شوم شماره ۱۰۲
دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۶۰
به ۱۰ ریال

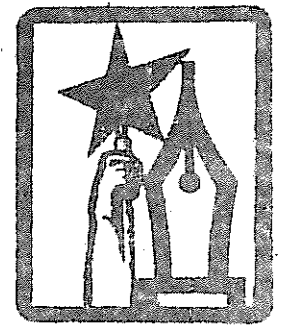
بازاردهنده مشترک بنسبت

رهائی

ویژه مبارزات توده‌ای

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی



سخا بی، یزدی، بنی‌صدر، قطب زاده مبین آن بود که
اهرم وزارت خارجه و از آنجا سیاست خارجی در
مصرف کردن مبارزات مردم مبارزه علیه رقیب،
از اهمیت خاصی برخوردار است. یکی از بهانه‌ها
مکتبیون و یا آنطور که آنروزها نامیده میشدند،
"دانشجویان پیرو خط امام" برای اشغال لائسه
جاسوسی استفاده از همین بهانه یعنی مامیضات
طلبانه و غربی بودن سیاست خارجی دولت بزرگان
بود. مکتبیون با تسخیر سفارت و مفتحک‌ای که بنا
مبارزه ضد امپریالیستی راه انداختند، علاوه بر
بغیه در صفحه ۲

رژیم جمهوری اسلامی بموازات از دست
دادن پایه‌های توده‌ای و انزوای سیاسی بمسئور
استحکام مواضع از نقطه نظر بین المللی،
سیاست خارجی جدیدی را در پیش گرفته است.
سیاست خارجی جدید رژیم جمهوری اسلامی با آنچه
که این رژیم در دو سال و نیم گذشته منقاد و
مبلغ آن بود از بسیاری لحاظ متفاوت است.
این تفاوت‌ها در مضمون اساسی حرکت خارجی این
رژیم که همانا کوشش در راه رسمیت یافتن در
مقابل بلوکهای قدرت است، بلکه در اشکال
مختلف و سیری است که در دوران متفاوت و بر
حسب ترکیب بندی جناحهای دست اندرکار قدرت و
مسائل داخلی دنبال گردیده است. در دوران که ارگان
های حکومتی عمدتاً در دست "لیبرالها" بود،
با نوعی سیاست خارجی مواجه بوده‌ایم که عمدتاً
گرایش به غرب و خروج از انزوای بین المللی را
تبلیف مینمود. سیاستی که از نظر داخلی هدفش
لوث کردن خصوصیات جنبش ضد امپریالیستی سالهای
۵۶ - ۵۷ و نزدیکی گام با کشورهای غربی
بود. "لیبرالها" در اعلام سیاست خارجی و
خروج از "انزوای سیاسی" که آنروزها بنده از
جانب مکتبیون مورد اعتراض قرار میگرفت و نفس
اصل به شرقی - و به غربی بودن جمهوری اسلامی
تلقی میگردد، ادامه‌ی مناسبات حسنه با غرب،
افزایش مبادلات تجاری با این کشورها و نتیجتاً
یافتن و یا عمیق تر کردن پیوندهایی را دنبال میکردند
که در مبارزه‌ی داخلی علیه رقیبای حری و علیه نیروهای
مترقی، آنان را یاری دهد. وجود سوگلی‌های
بورژوازی دست دوم ایران در رای وزارت خارجه،

در صفحات دیگر

- ★ شرکت اجباری کارگران در تشیع جنازه‌ی رئیس جمهور مکتبی و خست و زرمحبوب
- ★ امید مستضعفان جهان چه میگوید
- ★ وقتی اساتذگان مکتبی ما دستها را کبند میکنند.
- ★ گزارشی از زندان کمیتدی مرکزی منهد
- ★ اخبار

سیاست خارجی جمهوری اسلامی

استفاده داخلی از آن که چیزی جز تحمیل توده‌ها و فرونشاندن احساسات انقلابی آنان و غلبه کردن بر حریف "لیبرال" نبود، از نظر بین‌المللی نیز نشان دادند که در نزدیکی با دول غرب و با شرق، این رهبری حزب‌الله است که باید طرف معامله قرار گیرد، و این دارندگان اصلی قدرت هستند که میتوانند مورد لطف و با عنفاد دول بزرگ باشند. درحقیقت عمل‌تخیرسفارت نیز بنوعی خروج از انزوا بود، اما انزواشی که پیش از آنکه جهت‌های بعدی آن معلوم باشد - شرق و یا غرب - بمنظور نشان دادن طرفیت در معادلات انجام یافته ناگهان تمام آنچه که در گذشته بدستور "امام امت" انجام گرفته بود: ملاقات‌های متعدد با رهبران آمریکائی، مورد انتقاد قرار گرفت و بجای موعظه‌های کودکانه بازرگان مبنی بر رعایت قوانین بین‌المللی، نوحه‌های آخوندیسم مبنی بر صدور انقلاب و ایجاد سنن جدید در روابط بین‌مضعفین و مستکبرین رواج یافت، چنان‌که سرد و غباری از هل من مبارز طلبی "خدا مهربالیستی" و "انقلابی" فضای ایران را پوشاند، که بسیاری از نیروهای چپ را بدنباله‌روی از حکومت‌کشاند. حزب توده و اعوان و انصارش که مخرب‌ترین نیروی نزدیک رژیم با شوروی یافتند، نیز به جنبش و جوش افتادند تا در این میان اگر نه قرار دادهای مودت ۱۵ ساله، حداقل کار اوزان نری راه‌گشور صادر تحویل دهند. اما در اثنا همین کرد و غبار و در حالیکه بلندگوهای تسلیحاتی رژیم، ساکوس و کرنا خبر از نابودی امپریالیزم جهانی میدادند، رجایی که هنوز به فیض شهادت نایل نیامده بود، به آمریکا رفت و در باامطلاح اولین نطق بین‌المللی خود نشان داد که تا چه اندازه زیون و حاضر به معامله است. سیاست خارجی ایران از پس آنهمه گرد و خاک روشن گردید: معامله با غرب و در راس آن آمریکا. سیاست خارجی که نتیجدهی آن چیری جز تعدیم ذخایر ارزی به دولت آمریکا و پایان دادن فتاحت امیر بسسه مضحکه‌ی سفارت نبود. با اسحال در تمام آن کرد و غبارها، چه‌رودی واقعی ساست به‌سری و به غرضی روشن بوده: مماشات با غرب. هرچند گردانندگان این سیاست خارجی، همچون رقباي فرنگ‌رفته و فرنگ‌دیده خود، از ظرافت دیپلماتیک آکاهسی نداشتند، اما جهت عمومی حرکت رژیم، چه از نظر ظاهر خارجی و چه از نظر حجم مبادلات بازرگانی بیانگر آن بود که توده‌های آب در میان میکوبند و رژیم جمهوری اسلامی اگر نه با آمریکا حداقل با دوستان اروپائی اش راه کنار آمدن را میداند: باج سبیل به آمریکا و فرادادهای ماسند تالیوت با انگلستان. و این امری طبیعی بود. وابستگی اقتصادی ایران به جهان غرب نبود هیچ برنامه و یا حتی توان سیاسی و اجتماعی که بتواند برنامه‌های سارنده و یکسر در جهت خارج شدن از سیطره قدرت امپریالیسم دهد، رژیم

جمهوری اسلامی را علیرغم تمام ادعاهای خود و جنگ برانگیختنی که گاه و بیگاه انجام میداد، رژیم در خدمت حفظ باسازی نظامی قسرا داده بود که همزیستی با امپریالیسم و از آنجا همخوانی با سیاست عمومی آنها را ایجاد میکرد. رژیم جمهوری اسلامی راهی نداشت جز اینکه در عالم هیروت با امپریالیسم مبارزه کند و در عالم واقعیت خود را منطبق با خواستهای آن سازمان دهد. رژیم جمهوری اسلامی نمیتوانست برای تقویت ارتش به اسلحه‌های کره شمالی، لبیبی و سوریه بسنده کند بلکه علاوه بر آن میباید و میبایست، نمایندگان را جهت خرید اسلحه به همه جا و منجمله به هلند و سوئیس برای خرید اسلحه اسرائیلی ارسال دارد. فاستوم و تانک چیفتن نه به زبان آسانی قرآن، و نه با استخاره به حرکت میافتند، اینها احتیاج به لوازم بدکی دارند، و این لوازم بدکی جز با دلار و پوند و باج سبیل های اقتصادی و سیاسی دست نیافتنی است. مجموعه این عوامل، و عواملی از این دست حاکمیت را به سوی سیاست مماشات طلبانه با غرب می‌کشاند و آنچه که نیز بعنوان شعارهای ضد غرب داده میشود، چیزی جز لاپوشانی واقعیت و دگرگونه جلوه دادن آن نبود. دوران دوم سیاست نه شرقی و نه غربی رژیم نیز چیزی جز در پیوزگی از امپریالیسم منتهی به شیوهی اسلامی و لگدپرانی آن نبود.



اما واضحست که چگونگی رویدادهای داخلی، صابندی حاکمیت، و همین تغییراتی که در سطح جهانی روی میداد و میدهد، در تغییر و یا کش و قویهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز مؤثر می‌افتد. همچنین که احتیاجات عمومی رژیم بسسه "لیبرالها" در جلب حمایت غرب برای تثبیت اولیه از جمهوری اسلامی، به "امام امت" این فرصت را میداد که خود مشوق ملاقاتها و قرارهای از نوع بازرگان - هویزر، بهشتی - هویسزر و بازرگان - برژنسکی باشد و سپس همین تغییرات معادلات، مولود موجود عجیب الخلقه‌ای بنام "دانشجویان پیروخط امام" میکردید، معادلات بعدی نیز در سیر تکوین سیاست داخلی و از آنجا خارجی رژیم جمهوری اسلامی مؤثر افتاده و قطار ساست شرقی و نه غربی در هراستگاه و بسا توجه بد مومعت مربوطه جهت جدیدی می‌یابد.



ایستگاه آخر در سیاست خارجی رژیم جمهوری اسلامی ایران، فیل و قال جدیدی است که بسا استصاب موسوی سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی به سب وزیر امور خارجه برپا شده است. بسد از خدماه استظار در پشت کریدورهای وزارت امور خارجه و بسد از مدت‌ها مخالفت از جانب بنی صدر در مقام ریاست جمهوری و سپس باید آیت در مجلس، مهندس موسوی بد وزارت خارجه کمارده شد. این بار شرائط داخلی و خارجی که ملا منفاوتی، در مقابل حزب جمهوری اسلامی و وزیر امور خارجه‌اش قرار داشت. عزل بنی صدر، و سپس خروج او و

جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه‌دار

رجوی از کشور ، بکدمت شدن حکومت ، آغاز عملیات مسلحانه علیه حاکمیت ، انفجار در مقر حزب جمهوری اسلامی و " شهادت " ۲۲ تن ، پیدایش علائم ظاهری مرگ رژیم جمهوری اسلامی ، استقبال کم سابقه سوسیال دموکراسی اروپا از بیضی صدر- رجوی ، مانورهای سلطنت طلبان ، افتتاح خرید اسلحه از اسرائیل و تکذیب آن بوسیله اعلام خرید اسلحه از ایسلند (عضو ناتو) و ... از جمله مسائلی بود که وزارت خارجه ایران را در مقابل وضعیت نسبتاً جدیدتری قرار داده بود. افتتاح جریان گروگانگیری آنقدر روشن شده بود کسسه ادامه ی کار به همان سبک و ساق چیزی جز یک ضمیمه شب بازی رسوا و بدون مشری برای رژیم نمیتوانست باشد. رژیم میبایست خود را با شرایط جدید منطبق کند. رژیم بد فکر آزمایش ، آزموده های کهن سران مرتجع عرب افتاد و ناکهان از در دیوار ، بیانیه ، و مصوبه ، و اطلاعیه و پیرامون لزوم تشکیل جبهه اسلامی آزادی قسطنطنیه سرزیر شد. رژیم در عوامفریبی جدید خود قصد نزدیکی به بلوک شرق ، و نزدیکی با کشورهای عربی هم پیمان شوروی را داشت و کارگزاران ایرانی شوروی ، از مدتها قبل در تدارک آیین نزدیکی بودند. و برای خروج از انزوا با بهترین بگوئیم اجبار به کم مهری در مورد ویتنام بظا هر دشمن گذشته و اجبار به آشتی با دشمنان بظا هر دوست فعلی هدف خاص خود را داشت. از طرف دیگر جبهه پایداری عرب هنوز به متحدی جدید محتاج است ، زیرا به سوریه قدرتی جدید در مقابل مصر میدهد که موافقتنامه ای از نوع کمپ دیوید را در دمشق به امضا رسانند ، لیبی متحدی جدید برای شام و شانه کشیدن در مقابل مصر می باید. یمن جنوبی امکان تنفیس بیشتر در مقابل حکومت صفا و سازمان آزادی بخش امکان زیادتری برای مانورهایش در راه برسمیت شناختن هویت مفقود شده فلسطین از راه دیپلماتیک بدست می آورد. و بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی با آغاز جنگ چند هفته پیش لبنان - در عین اینکه هواپیماهای آرژانتینی اسلحه اسرائیلی به ایران وارد می کنند ، پیوستن خود به صفوف کشورهای جبهه پایداری را اعلام می کند. زیرا اینکار علاوه بر استفاده های تبلیغاتی داخلی به رژیم امکان مرا بسودن از " اتهام " خرید اسلحه از اسرائیل را نیز میدهد. و بدنبال آن رژیمی که تا چندی پیش از پذیرفتن جلود به درگاه " امام امت " خودداری می کرد و رژیم لیبی را مقصر مفقود شدن " اسام سبستان محروم لبنان " - موسی صدر میدانست ناگهان خواستار تشکیل جبهه اسلامی علیه اسرائیل با آن کشور میگردد و مفیر آن کشور را به مصالحه با مطبوعات مزدور خسود مینماید. صحبت از روابط دیپلماتیک با یمن جنوبی و ویتنام می کندو



و بدینسان پرده سوم از نمایش سیاست خارجی نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی آغاز میشود. در پرده اول ، نقش عمده با " لیبرالها " است

و سناریست و کارگردان آقای خمینی ، هدف اصلی جلب حمایت تماشاگران آمریکائی و اروپائی و مجال خواندن از مردم همیشه در صحنه است . در پرده دوم ، بعضی از بازیگران یا تغییر میابند و یا تغییر نقش میدهند ، اما صحنه گردان خیمه شب بازی کماکان " امام امت " است. تنی چند بازیگر جوان به صحنه می آیند. صحنه تغییر میابد و پرده سوم بعد از مدتی تغییرات دردگوز به نمایش در می آید. کارگردان شخص خمینی و باقی مانده اطرافیان هستند ، مردم همیشه در صحنه جای خود را به امت ساواکی میدهند. پرده سوم یعنی نزدیکی با شوروی و کشورهای طرفدار آن (چه کشورهای عربی طرفدار شوروی و چه بلوک شرق) که شاید برای " ترساندن " امریکائی ها و بصادر آوردن زنگ خطر عنوان شده باشد از همان آغاز ، بنظر میرسد که با ناکامی مواجه شده است. نشانه های چندی نمودار شکست جهت گیری جدید سیاست خارجی رژیم مفلوک و وامانده جمهوری اسلامی و پرده سوم نمایش اوست

الف : افشاء و انتشار اسناد انکارناپذیری از روابط بازرگانی رژیم اسلامی با اسرائیل بویژه در زمینه خرید اسلحه و لوازم بدکی .

ب : فاصله گرفتن جنبش آزادیبخش فلسطین از رژیم خمینی و ملاقات هانی الحسن مشاور نزدیک یاسر عرفات با مسعود رجوی در پاریس

ج : انتقاد " غیر معمول " خبرگزاری تماش از رژیم جمهوری اسلامی در زمینه عدم توفیق آن در مورد حل مسائل اقتصادی و اجتماعی

د : عدم ارسال پیام تبریک به لیبی از طرف مقامات در جاه اول جمهوری اسلامی بمناسبت اول سپتامبر (روز کودتای فدایی)

ه : عدم ارسال پیام به مقامات جمهوری اسلامی از طرف جنبش آزادیبخش فلسطین و لیبی بمناسبت گشته شدن رجائی و باهنر

و : آخرین مصاحبه طارق عزیز وزیر خارجه عراق در مورد تمایل جدید لیبی به نزدیکی با عراق

و امروز تماشاگران اروپائی به پشت صحنه رفته اند و تجار غرب و شرق به نظاره آخرین تلاش بازیگر نحیف جمهوری جوان نشسته اند. پرچم جمهوری اسلامی بر آن است که در سرتا سر جهان و در قلب قدس با هزار فر آید ! اما این پرچم رنگ باخته ترولرزان ترازانت که بدست خمینی در هیچ نقطه ای پا برجا بماند و راهی جز فرو افتادن ندارد. بداین گفته موسوی جز با لیخنندی تمسخر آمیزه که حکایت از پایان نمایشنامه غم - انگیز حاکمیت ارتجاعی ایران دارد چگونه میتوان پاسخ داد :

جبهه اسلامی اولاً از نظر زمینه ذهنی و روانی سابقه ۱۴۰۵ ساله یفئسی در روان و درون مسلمانان جهان تشکیل یک امسب واحد آرزوی همیشگی و دیرینه است و حتی این موضوع زمینه های عینی نیز دارد بدلیل اینکه آن ایده اخوت اسلامی تنها در میان مسلمانان مطرح است."

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید